

An Analysis of the Foreign Policy Strategies of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the Middle East Using SWOT Model¹

Ibrahim Eram¹, Amin Ravan Bod², Ghafar Zarei³

¹PhD., Student, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. ebrahim.eram@gmail.com

²Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran (**Corresponding Author**). aravanbod@gmail.com

³Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. ghafarzarei@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia's foreign policy in the Middle East to find an optimal strategy for the Islamic Republic of Iran in front of Saudi Arabia. The method of study is descriptive-analytic and the SWOT model was used for the analysis of the foreign policy strategies of the two countries. The results showed that a mixture of constructive interaction and controlling policies can be the optimal strategy for the Islamic Republic of Iran in front of Saudi Arabia in the current condition. Following the biphasic policy of constructive interaction and control in relation with Saudi Arabia requires emphasis on cooperation between two countries in fighting against Islamophobia, providing the security of the Persian Gulf, and maintenance of the environment; however, the contemporary acceptance of the opposite party should not be regarded as a defeat.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, SWOT Model (Analysis), Foreign Policy.

1. **Received:** 2021-02-15 ; **Revision:** 2021-03-05 ; **Accepted:** 2021-03-20

© the authors

<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



تجزیه و تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه با استفاده از مدل سوات^۱

ابراهیم ارم^۱، امین روان‌بد^۲، غفار زارعی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.
ebrahim.eram@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول).
aravanbod@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. ghafarzarei@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه و یافتن استراتژی بهینه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و از مدل سوات برای تجزیه و تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی دو کشور در خاورمیانه استفاده شده است. نتایج نشان داد که ترکیبی از سیاست‌های تعامل سازنده و مهار می‌تواند استراتژی بهینه جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی در شرایط کنونی باشد. تعقیب سیاست دو مسیری تعامل سازنده و مهار در قبال عربستان سعودی از یک سو نیازمند تأکید بر پتانسیل‌های همکاری نظیر همکاری در مقابله با اسلام‌هراسی و همکاری برای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس و همکاری در زمینه حفظ محیط زیست است و از سوی دیگر پذیرش مقطعی برخی خواسته‌های طرف مقابل نمی‌بایست به منزله شکست تلقی گردد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، مدل سوات، سیاست خارجی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری ابراهیم ارم با عنوان: «تأثیر معمای امنیت بر استراتژی‌های سیاست خارجی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و تجزیه و تحلیل این استراتژی‌ها بر اساس مدل SWOT»، استاد راهنما: امین روان‌بد، استاد مشاور: غفار زارعی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد است.

استاد به این مقاله: ارم، ابراهیم؛ روان‌بد، امین؛ زارعی، غفار (۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه با استفاده از مدل سوات. سپهر سیاست، ۹(۳۱)، ص ۴۷-۶۸.

DOI: 10.22034/sej.2021.1923596.1302

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱. مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان بازیگرانی تاثیرگذار در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه استراتژی‌هایی را در سیاست خارجی خود در منطقه خاورمیانه دنبال کرده‌اند که رقابت و گه‌گاه دشمنی متقابل میان دو کشور را تقویت کرده است. سابقه روابط ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهد که دو کشور نتوانسته‌اند از رقیب‌انگاری یکدیگر فراتر رفته و همکاری‌های معنی‌داری را در سطح منطقه رقم بزنند. در بهترین حالت، این دو کشور در وضعیت همزیستی مسالمت‌آمیز به سر برده‌اند و حضور و نفوذ یکدیگر را تحمل کرده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سبب آزاد شدن نیروهایی شد که رابطه میان دو کشور را به طور کلی دگرگون کرد. عواملی مانند ایدئولوژی اسلامی شیعی و تقابل آن با ایدئولوژی سنی، سازش‌ناپذیری انقلاب اسلامی با غرب و مبارزه برای صدور انقلاب و سیاست‌های ایالات متحده مبنی بر ارائه چهره‌ای تهدیدآمیز از ایران سبب تنش میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شد (برزگر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹). این تنش‌ها در دهه ۸۰ میلادی در اوج قرار داشت. به طور مشخص اتخاذ سیاست صدور انقلاب که برخی صاحب‌نظران اتخاذ استراتژی صدور انقلاب را «طبیعی‌ترین و بدیهی‌ترین و برترین» گزینه در آن دوران می‌دانند (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، به‌مثابه سیگنالی منفی و بدخیم در نظر همسایگان ایران به ویژه عربستان سعودی جلوه‌گر شد. جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر، وضعیت پرتنش را در قبال اعراب تجربه کرده است و شاید بتوان این نقد را بر جامعه سیاست‌گذاری ایران وارد دانست که استراتژی بهینه‌ای را در قبال جهان عرب و به تبع آن، عربستان سعودی بکار نگرفته است و در سالیان اخیر نیز شاهد وخامت روزافزون رقابت این دو کشور بوده‌ایم (خضری، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷). استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران معمولاً به دنبال بهینه‌سازی استراتژی‌ها و تصمیمات خود هستند تا تحقق منافع ملی را به حداکثر برسانند و از تهدیدات بکاهند. به عبارت دیگر، استراتژی‌هایی بدین منظور طراحی می‌شوند تا از محذورات بکاهند و بر مقدرات بیفزایند (Ramazani, 1998, P.13). پژوهش حاضر با نگاهی به خلاء استراتژی موفق در قبال خاورمیانه و عربستان سعودی که از یک‌سو به نحو مناسبی منافع ملی را محقق کند و از سوی دیگر از تهدیدات علیه امنیت ملی ایران بکاهد، تأملی دوباره بر استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دارد. تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های بسیاری که در خصوص روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی انجام شده است و به عبارت دیگر نوآوری پژوهش حاضر به دو مسأله مربوط می‌شود: نخست اینکه

استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با استفاده از مدل سوات^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به طور مشخص به نقاط ضعف و قوت آن‌ها و اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها از فرصت‌ها و تهدیدات محیطی اشاره شده است. دوم اینکه در این پژوهش تلاش شده است تا با نگاهی معطوف به تحقق بیشینه منافع ملی، استراتژی بهینه‌ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی بر مبنای یافته‌های پژوهش طراحی شود.

۲. اهداف پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، شاید بتوان این نقد را بر جامعه سیاست‌گذاری ایران وارد دانست که استراتژی بهینه‌ای را در قبال جهان عرب و به تبع آن، عربستان سعودی بکار نگرفته است. از سوی دیگر، این اصل کلی شایسته توجه است که استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران معمولاً به دنبال بهینه‌سازی استراتژی‌ها و تصمیمات خود هستند تا تحقق منافع ملی را به حداکثر برسانند و از تهدیدات بکاهند. با عنایت به این اصل کلی، در خصوص استراتژی، هدف نوشتار حاضر این است که با استفاده از مدل سوات، از یک‌سو نقاط قوت و ضعف استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را شناسایی کند و تأملی بر تهدیدات و فرصت‌های محیطی فراروی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از سوی دیگر، استراتژی بهینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی طراحی و پیشنهاد شود.

۳. سوال پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان به استراتژی بهینه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و به طور مشخص در قبال عربستان سعودی دست یافت که به تحقق بیشینه منافع ملی ایران و کمینه شدن تهدیدات علیه امنیت ملی ایران منجر شود؟ در این راستا، تلاش شده است تا به سوالات فرعی نشأت گرفته از این سوال پاسخ داده شود، از جمله اینکه دو کشور چه استراتژی‌هایی در سیاست خارجی خود در خاورمیانه بکار گرفته‌اند و این استراتژی‌ها چه نقاط قوت و ضعفی دارند و دو کشور با چه تهدیدات و فرصت‌های محیطی در خاورمیانه روبرو هستند؟

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی یک پژوهش کیفی است. پژوهش کیفی برای توصیف شرایط و ویژگی‌هایی درباره پدیده‌های انسانی که قابل تبدیل به کمیّت نیستند، کاربرد دارد. باید توجه داشت که هیچ شیوه منفرد و مورد اجماعی در خصوص انجام پژوهش کیفی وجود ندارد و محققان بر اساس باور خود نسبت به ماهیت پدیده مورد تحقیق (هستی‌شناسی) و ماهیت دانش و نحوه دستیابی به آن (معرفت‌شناسی) و همچنین اهداف تحقیق، اقدام به پژوهش می‌کنند (Ritchie & Lewis, 2003, P.1). اشتراس و کوربن معتقدند که هر تحقیقی که یافته‌های آن از فرایندهای آماری یا دیگر ابزار کمی‌سازی به دست نیامده باشد، تحقیق کیفی است (Strauss & Corbin, 1998, P.11). بدین معنی پژوهش حاضر که از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مدل سوات انجام شده است، به لحاظ روش‌شناختی در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به سیاق پژوهش‌های کیفی از تفکر و استدلال عقلانی بهره گرفته شده است. در تحقیق کیفی، محقق با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید داده‌های کیفی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹). در این پژوهش، استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در مدل سوات قرار گرفته و داده‌ها تحلیل شده است.

۵. مدل سوات

مدل سوات یکی از ابزارهای پرکاربرد و کارا در مدیریت استراتژیک بوده و به دنبال شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات است. مدل سوات یک روش تحلیلی سیستماتیک برای کشف نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات است تا با کمک آن بتوان استراتژی را پیدا کرد که بیشترین و بهترین تطابق را بین آن‌ها ارائه می‌کند (Fisher, 1989, P.157).

در مدل سوات، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات در حالت‌های SO، WO، ST، WT به هم پیوند داده می‌شوند و گزینه‌های استراتژی ایجاد شده انتخاب می‌گردند (هریسون و کارون، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲). در استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و فرصت‌ها یا SO تلاش می‌شود به نقاط قوت تکیه شود و این نقاط قوت با فرصت‌های موجود در محیط پیوند داده شود. در استراتژی مبتنی بر نقاط ضعف و فرصت‌ها یا WO تکیه بیشتری بر فرصت‌های موجود در محیط صورت می‌گیرد تا نقاط ضعف جبران شود. در استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و تهدیدات یا ST با استفاده از نقاط قوت

سعی می‌شود تا تهدیدات موجود در محیط کاهش یابند و در استراتژی مبتنی بر نقاط ضعف و تهدیدات یا WT سعی می‌شود از نقاط ضعف و تهدیدات موجود در محیط کاسته شود (سردار، ۱۳۷۹، ص ۳۶۴-۳۶۰). مدل سوات یکی از فنون مناسب تجزیه و تحلیل است و امروزه به صورت گسترده در تجزیه و تحلیل عملکردها مورد استفاده قرار می‌گیرد (بهرامی، ۱۳۸۹، ص ۶۵). استفاده اصلی از مدل سوات این است که قوت‌ها و فرصت‌های سیستم را به حداکثر و ضعف‌ها و تهدیدات را به حداقل ممکن برساند (Garner, 2005, P.12). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از کنار هم قرار دادن نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدات، استراتژی‌ها و راهبردها ایجاد می‌شوند، چهار حالت در این راستا امکان‌پذیر است:

۱. **استراتژی رقابتی/تهاجمی (SO):** در این حالت استراتژی در پی بیشینه کردن نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی است (افتخاری و مهدوی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).
۲. **استراتژی‌های اقتصادی (ST):** در این حالت، استراتژی در پی بیشینه کردن نقاط قوت درونی و کمینه کردن تهدیدات بیرونی است (حاجی کریمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۶).
۳. **استراتژی انطباقی^۱:** در این حالت استراتژی در پی بیشینه کردن استفاده از فرصت‌های بیرونی و کمینه کردن ضعف‌هاست.
۴. **استراتژی تدافعی^۲:** در این حالت استراتژی در پی کمینه کردن ضعف‌های درونی و خنثی‌سازی و کمینه کردن تهدیدات بیرونی است.

جدول ۱- ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت

نقاط ضعف-W	نقاط قوت-S	
استراتژی WO	استراتژی SO	فرصت‌ها-O
استراتژی WT	استراتژی ST	تهدیدات-T

در ادامه فرصت‌ها و تهدیدات محیطی فراروی ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در وهله بعدی، استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه در این راستا تحلیل می‌شوند و سپس کوشش می‌شود تا استراتژی بهینه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی شناسایی شود.

1. WO

2. WT

۶. تهدیدات محیطی

۶-۱. حضور ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس

جمهوری اسلامی ایران نگاه مثبتی به حضور ایالات متحده در خلیج فارس ندارد و آن را یک تهدید وجودی علیه خود تلقی می‌کند و از هر فرصتی برای ابراز نارضایتی خود نسبت به حضور نیروهای آمریکایی در منطقه استفاده کرده است. در طول زمان بر تعداد پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس افزوده شده و درجه حساسیت جمهوری اسلامی ایران نیز نسبت به این تحرکات بالاتر رفته است. جمهوری اسلامی ایران به طور مشخص در پاسخ به ترور شهید سردار قاسم سلیمانی مسأله انتقام سخت را مطرح کرده و هدف جمهوری اسلامی ایران در این راستا خروج نیروهای آمریکایی از منطقه است (این است انتقام سخت، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، عربستان سعودی از حضور ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس به منزله ابزاری برای ایجاد موازنه علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند و از نظر عربستان سعودی حضور ایالات متحده در منطقه بیش از آنکه تهدید باشد، یک فرصت تلقی می‌شود. هنگامی که زمزمه کاهش حضور و نقش‌آفرینی ایالات متحده در خلیج فارس و تمرکز بیشتر این کشور بر شرق آسیا و چین مطرح شد، عربستان سعودی با جدیت و شدت هرچه تمام‌تر مخالفت خود را نسبت به این اقدام اعلام کرد و به منظور متقاعد کردن ایالات متحده به تداوم حضور در خلیج فارس، از طرح‌هایی برای افزایش خرید تسلیحات از این کشور رونمایی کرد. عربستان سعودی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بزرگ‌ترین واردکننده سلاح در جهان بوده است که رشدی ۱۹۲ درصدی نسبت به پنج سال قبل از آن را نشان می‌دهد (Wezeman & et al., 2019, P.11). بیشترین خرید تسلیحاتی عربستان سعودی، از ایالات متحده بوده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از منظر جمهوری اسلامی ایران، تداوم حضور ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس یک تهدید وجودی علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود و در طراحی هرگونه استراتژی در منطقه باید به این تهدید توجه گردد. در نقطه مقابل، از منظر عربستان سعودی حضور ایالات متحده در منطقه یک فرصت محیطی است و تلاش‌های خود را مصروف تداوم آن می‌کند.

۶-۲. نقش‌آفرینی اسرائیل در تحولات منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

عربستان سعودی از سیاست جدیدی برای مهار جمهوری اسلامی رونمایی کرده و آن سیاست

چیزی نیست مگر نزدیکی به اسرائیل. عربستان سعودی هرچند هنوز به واسطه مسائل پرستیژی و منزلتی مانند رهبری جهان اسلام، به طور مستقیم به بحث عادی سازی روابط با اسرائیل ورود نکرده است، اما برای باز کردن پای اسرائیل به خلیج فارس و البته با حمایت ایالات متحده آمریکا، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. عربستان سعودی نقش بسیار موثری در عادی سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل ایفا کرده است و در اعمال فشار یا ارائه مشوق به دیگر کشورهای عربی برای عادی سازی روابط با اسرائیل در کنار ایالات متحده آمریکا، ایستاده است. این اقدام عربستان سعودی، سطح تنش های امنیتی در منطقه خلیج فارس را افزایش داده و زمین بازی خصومت جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل گسترده تر شده است و هزینه های بیشتری بر جمهوری اسلامی ایران برای تداوم سیاست خصومت با اسرائیل تحمیل خواهد شد. در حالی که جمهوری اسلامی ایران نسبت به فعالیت های روزافزون اسرائیل در جمهوری آذربایجان ابراز نارضایتی کرده بود، اکنون حضور فزاینده اسرائیل در همسایه های جنوبی را نیز شاهد خواهد بود. بدین معنی جمهوری اسلامی ایران اکنون در طراحی استراتژی در قبال عربستان سعودی می بایست عنصر اسرائیل را نیز مدنظر قرار دهد و در راستای کاهش حضور اسرائیل در خلیج فارس یا خنثی سازی فعالیت های آن تلاش کند.

۶-۳. ایران هراسی فزاینده

یکی دیگر از تهدیدات محیطی که جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است، ایران هراسی است. ریشه ایران هراسی در منطقه خاورمیانه به نگرانی ها و دغدغه های اعراب نسبت به استراتژی صدور انقلاب بازمی گردد. جمهوری اسلامی ایران پس از استقرار خود از عزم جدی برای صدور انقلاب به کشورهای عرب خلیج فارس پرده برداشت و البته تاکید کرد که هدف از این استراتژی، جنبه فیزیکی صدور انقلاب نیست، بلکه صدور اندیشه ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی در دستور کار است.

در فضای پس از بهار عربی، حضور جدی تر ایران در سوریه، عراق و یمن محقق شده است و عربستان سعودی چنین اقدامی را تهدیدی جدی علیه خود تلقی می کند و بر این نظر است که جمهوری اسلامی از فضای پدید آمده پس از بهار عربی، برای صدور فیزیکی انقلاب اسلامی استفاده می کند. نظر به اینکه فضای رسانه ای گسترده تری با حمایت ایالات متحده در اختیار عربستان سعودی قرار دارد تا مواضع خود علیه ایران را ترویج دهد، ایران هراسی گسترده ای در

فضای رسانه‌ای عربی و غربی علیه جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد و این مسأله هزینه ارائه چهره مطلوب از جمهوری اسلامی ایران به جامعه بین‌المللی را افزایش داده و این مهم را دشوارتر کرده است.

۶-۴. تعارضات هویتی - ایدئولوژیک

در سالیان اخیر و در وضعیتی که به نوعی واکنش به فرایندهای جهانی شدن محسوب می‌شود، توجه به مسائل هویتی و ایدئولوژیک در سطح محلی افزایش یافته است. بسیاری از کشورها نسبت به فرایندهای غربی شدن و آمریکایی شدن که به نوعی با پروسه جهانی شدن همراه بوده است، واکنش نشان داده و بر اصالت هویتی خود تاکید کرده‌اند. این مسأله در خاورمیانه نیز رخ داده است. این بازیابی‌های هویتی ایرانی - عربی و شیعی - سنی در روندهای سیاست منطقه نیز متبلور شده است.

اقدام آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ م. و سرنگونی صدام حسین و روی کار آمدن نخستین دولت شیعی در جهان عرب نیز حساسیت جهان عرب را برانگیخت و این مسأله در کنار مباحث مربوط به تشکیل هلال شیعی در خاورمیانه، وضعیتی پر تنش برای اعراب منطقه تصویر کرد. برداشت و تلقی کشورهای عربی از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه این است که تشکیل هلال شیعی یک هدف جدی برای جمهوری اسلامی ایران بوده و از نظر آنان جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. بدین معنی شاهد تبلور سطح جدیدی از تعارضات هویتی - ایدئولوژیک در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس هستیم که تهدیدی مشترک برای همه کشورهای منطقه تلقی می‌شود. تاکید گسترده بر مسائل هویتی و ایدئولوژیک و خطر فعالیت جنبش‌های تجزیه‌طلبانه بیش از هر زمان دیگری ساخت خاورمیانه را تهدید می‌کند. تاکید بر مسائل هویتی و ایدئولوژیک امکان رسیدن به چهارچوب‌های مشترک همکاری را نیز کاهش می‌دهد.

۶-۵. تروریسم

علی‌رغم اینکه افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در یک منطقه در نگاه اول می‌تواند فرصت محیطی مناسبی برای نزدیکی و همکاری کشورها برای مقابله با تهدید مشترک باشد، اما وجود دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مفهوم تروریسم و استفاده ابزاری از گروه‌های تروریستی توسط برخی کشورهای خاورمیانه مانع از تحقق همکاری منطقه‌ای در مقابله با تروریسم شده است.

به عنوان مثال، در حالی که به نظر می‌رسید با توجه به تهدیدات داعش علیه هر دو دولت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی زمینه همکاری مشترک در مقابله با داعش در میان دو کشور ایجاد شود، اما این زمینه همکاری و در واقع پتانسیل همکاری، به اقدامات همکاری جویانه بالفعل تبدیل نشد، زیرا عربستان سعودی گروه داعش را به منزله نیرویی می‌دید که جمهوری اسلامی ایران را به خودش مشغول داشته است و این فشار بر جمهوری اسلامی ایران از منظر عربستان سعودی به دیده فرصت نگریسته می‌شد.

۷. فرصت‌های محیطی

۷-۱. همکاری در مقابله با اسلام‌هراسی

در دو دهه اخیر و به دنبال برخی اقدامات گروه‌های تروریستی، موج فزاینده‌ای از اسلام‌هراسی در کشورهای غربی به وجود آمده است. در راستای مقابله با این جریان و حفاظت از ارزش‌های دین اسلام، کشورهای اسلامی و سازمان همکاری اسلامی، اقدامات گسترده‌ای انجام داد. سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۲۰۰۶م. ساختاری برای ثبت و ضبط موارد اسلام‌ستیزی تأسیس نمود. وزاری خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سی و چهارمین اجلاس خود در ماه می ۲۰۰۷م. طی بیانیه اسلام‌آباد، روند فزاینده اسلام‌ستیزی و تبعیض سیستماتیک علیه پیروان اسلام را محکوم و از جامعه بین‌المللی خواستند که مانع گسترش نفرت و تبعیض علیه مسلمانان شوند. این سازمان از سال ۲۰۰۸م. تاکنون ۱۳ گزارش سالانه در خصوص اسلام‌هراسی و مقابله با آن منتشر کرده است (Islamophobia, 2020). مقابله با اسلام‌هراسی می‌تواند عاملی برای همکاری دو کشور در قالب سازمان همکاری اسلامی و فراتر از آن باشد.

۷-۲. همکاری در راستای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس

ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی در منطقه خلیج فارس حداقل همیشه در سیاست‌های اعلانی دو کشور ایران و عربستان و دیگر کشورهای منطقه به چشم می‌خورد، اما باز هم اراده لازم برای چنین اقدامی وجود نداشته و البته عواملی در سطح نظام بین‌الملل نظیر حضور ایالات متحده در منطقه و مخالفت ایران با این حضور، در عدم تحقق این مهم تأثیر فراوانی داشته است. احساس و نگرانی عربستان سعودی نسبت به اینکه ایران در چنین سیستمی نقش برتر را ایفا خواهد کرد نیز از موانع تحقق سیستم امنیت دسته جمعی در این منطقه بوده است. به هر جهت، چنین خواستی از پتانسیل بالایی برای ایجاد همکاری میان کشورهای منطقه برخوردار است.

۳-۷. همکاری اقتصادی و تلاش برای همگرایی اقتصادی

در میان کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، امارات متحده عربی بیشترین مراودات تجاری با ایران دارد و پس از آن در میزان کم‌تری کشور عمان قرار دارد. تجارت خارجی ایران با کشورهای عربستان سعودی، کویت و بحرین در سطح بسیار پایینی است (مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۴). اگرچه پس از تیرگی روابط قطر با عربستان سعودی، سطح مراودات تجاری با قطر افزایش یافته است، اما در قیاس با مراودات تجاری قطر و ترکیه، چندان چشمگیر نیست.

اگرچه این نقد بر سطح روابط تجاری در منطقه خلیج فارس وارد بوده است که این دولت‌ها به واسطه اتکاء به نفت، پتانسیل بالای همگرایی اقتصادی را ندارند، اما سطح روابط تجاری ایران و عراق نشان می‌دهد که پتانسیل افزایش همکاری‌های اقتصادی نسبت به سطح نازل کنونی وجود دارد. به عنوان مثال برای ارتقاء و توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و عراق به میزان ۲۰ میلیارد دلار هدف‌گذاری شده است و چشم‌انداز تنظیم سند جامع اقتصادی و تجاری دو کشور در کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و عراق وجود دارد. چنین همکاری‌هایی می‌تواند الگویی برای همکاری‌های اقتصادی میان ایران و عربستان سعودی نیز باشد. در هر صورت، ایجاد چنین سطحی از روابط اقتصادی نیازمند اراده دو طرف و برقراری روابط نزدیک میان طرفین است.

۴-۷. همکاری برای حفظ محیط زیست در خلیج فارس

حفاظت از محیط زیست بین‌المللی مسئولیتی است که بر عهده کشورهای جهان قرار دارد و به تبع آن حفاظت از محیط زیست هر منطقه نیز بر عهده کشورهای آن منطقه است. اخیراً رئیس سازمان محیط زیست اعلام کرد که به دلیل اختلافات سیاسی در خلیج فارس، محیط زیست آن در خطر جدی قرار دارد. کلانتری اشاره می‌کند که «با توجه به بیشترین تراکم کشتی‌های نفتی در خلیج فارس و بیشترین چاه‌های نفت و گاز و تخلیه نفت‌کش‌ها و بارگیری آن‌ها و همچنین هوای گرم خود منطقه و وضعیت گرمایش زمین در دو سال اخیر، محیط زیست دریا شدیداً به هم ریخته است» (کلانتری، ۱۳۹۸).

برنامه محیط زیست سازمان ملل در سال ۱۹۷۶م. برنامه‌ای تحت عنوان «دریاهای منطقه‌ای» ایجاد کرد که طبق آن هر منطقه‌ای که ویژگی‌های زیست محیطی و جغرافیایی مشابه دارد و همچنین کشورهای ساحلی که منافع مشترکی در آن منطقه داشته باشند، بهتر است برای دستیابی به

نتایج بهتر، مسائل منطقه را در سطح منطقه‌ای بررسی کنند (ممتاز، ۱۳۸۶، ص ۱۱). پس از معرفی این برنامه، ایران و عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۱۹۷۸م. کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی را تدوین کردند. مطابق این کنوانسیون، خلیج فارس یک منطقه ویژه اعلام شده و تدابیری برای حفظ اکوسیستم آن طراحی می‌شود (فهم دانش، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

مهم‌ترین منابع آلوده‌کننده خلیج فارس، مواد نفتی، هیدروکربن‌های کلره (مانند دات) کشته سرخ (شکوفایی جلبکی) و جزایر مصنوعی است. سالانه چندین تن آلاینده‌های نفتی - به طور میانگین شش تا ده تن - وارد دریا می‌شود و این وضعیت در رابطه با خلیج فارس از وخامت بیشتری برخوردار است. همین فرایندهای مرتبط با صنایع نفتی باعث ورود حجم عظیمی از هیدروکربن‌های نفتی را وارد آب‌های خلیج فارس می‌کنند که تهدید دائمی برای اکوسیستم منطقه بشمار می‌آید. طرح‌های ساخت جزایر مصنوعی از سوی برخی کشورهای منطقه دنبال می‌شود که لازم است در ایجاد چنین جزایری، دغدغه‌های زیست محیطی و منافع همسایگان نیز لحاظ شود. در صورت عدم توجه به منافع دیگر کشورهای منطقه و تخریب محیط زیست، ایجاد چنین جزایری از نظر حقوق بین‌الملل دریاها پذیرفته شده نیست (عباس اشلقی، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

به نظر می‌رسد مسائل سیاسی و تنش‌های کنونی میان ایران و کشورهای عرب منطقه خلیج فارس تا حد زیادی همکاری‌های زیست محیطی را تحت‌الشعاع قرار داده است و چشم‌انداز این همکاری‌ها در شرایط کنونی چندان روشن نیست. اما به هر جهت لزوم حفظ محیط زیست خلیج فارس و تأثیرات جبران‌ناپذیر عدم توجه به این مسأله، سطحی از فشار و اجبار را بر کشورها تحمیل خواهد کرد و همین موضوع می‌تواند فرصتی برای همکاری در این زمینه باشد و شاید در موقعیتی مناسب، همکاری در این زمینه نیز تسری یابد.

۸. تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مدل سوات

پیش از تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شایسته است به نقاط قوت و قابل نقد کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کوتاهی داشته شود.

نخستین نقطه قوت به جغرافیای سیاسی ایران و موقعیت استراتژیک این کشور بازمی‌گردد. ایران از موقعیت خاص ژئوپلیتیک و استراتژیک خاصی در منطقه خاورمیانه برخوردار است. ایران

تنگه هرمز، گلوگاه نفت جهان را در اختیار دارد و خاورمیانه را به آسیای مرکزی و آسیای جنوبی پیوند می‌دهد. شاید بتوان این موقعیت استراتژیک را به عنصر جغرافیای سیاسی و منابع عظیم انرژی تقسیم کرد که محمود سریع‌القلم تحت عنوان اصول ثابت سیاست خارجی از آن یاد می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹، ص ۴۵).

دومین نقطه قوت به منابع عظیم انرژی و نزدیکی به منابع انرژی جهان بازمی‌گردد. ایران در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار دارد و بدین لحاظ از موقعیت ژئواکونومیک راهبردی برخوردار است. منابع غنی انرژی در خلیج فارس در جنوب و منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز در شمال بر اهمیت موقعیت ژئواکونومیک ایران صحه می‌گذارد.

سومین نقطه قوت به حس استقلال‌طلبی بازمی‌گردد. روح‌الله رضوانی در مورد حس استقلال‌طلبی ایران معتقد است که «قدرت در حال ظهور ایران بیش از هر چیز دیگری مدیون انقلاب اسلامی در ایران است که به طور جدی مسیر سیاست خارجی ایران را تغییر داده است. این انقلاب ایران را متقاعد ساخته است تا خود را از یوغ سلطه و دخالت‌هایی که قدمتی دیرینه داشت، رها سازد (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). حس استقلال‌طلبی در سیاست خارجی ایران در مخالفت با اعطای امتیازات به بیگانگان و ذکر عدم واگذاری پایگاه به کشورهای خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور است.

در خصوص نقاط قابل نقد هم می‌توان به مواردی نظیر غلبه آرمانخواهی و عدم پیوند اقتصاد و سیاست خارجی اشاره کرد. غلبه سنگین آرمانخواهی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اصول سیاست خارجی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به خوبی قابل مشاهده است. نباید فراموش کرد که آرمان‌خواهی بخشی از ارزش‌های فرهنگی ایرانیان است. ارزش‌هایی نظیر آرمان‌خواهی، عدالت‌خواهی، حق‌جویی، ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی و منجی‌گرایی، هر یک به نوبه خود بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تاثیر می‌گذارد (بازرگان، ۱۳۷۳). آرمان‌گرایی به نوبه خود سبب دوری سیاست خارجی از واقعیات حاکم بر نظام بین‌المللی می‌شود و سیاست‌گذاران در عرصه سیاست خارجی برای تطبیق سیاست‌های خود با تحولات سریع و فزاینده نظام بین‌الملل دچار مشکل می‌شوند.

نقطه قابل نقد دیگر در سیاست خارجی ایران به فقدان پیوند میان اقتصاد و سیاست خارجی مربوط می‌شود که محمود سریع‌القلم به خوبی به این نکته اشاره می‌کند که اقتصاد ایران وضعیت بین‌المللی ندارد و «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بر اصول غرب‌ستیزی، حمایت از

نهضت‌ها و حفظ فاصله استراتژیک با قدرت‌های بزرگ پایه‌ریزی شده است، چندان نیاز به تغییر ندارد تا آن‌که اقتصاد خود را مدیریت کند. اقتصاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو ریل متفاوت و بدون تماس و حتی نقطه مماسی با یکدیگر در حال حرکت هستند» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس استراتژی‌های سیاست خارجی متعددی مانند صدور انقلاب، مهار، بیشینه‌سازی نفوذ و حمایت از محور مقاومت که در حمایت از گروه‌های شبه نظامی مخالف اسرائیل متبلور بوده را دنبال کرده است. در مقاطعی نیز استراتژی تنش‌زدایی با همسایگان عرب دنبال شده، اما در قیاس با استراتژی‌هایی مانند صدور انقلاب، اصالت چندان‌ی نداشته است.

۸-۱. استراتژی صدور انقلاب

موقعیت خاص جغرافیای سیاسی ایران سبب شده است تا نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال بر ایران تحمیل شود و هرگاه که دولتی در ایران به سمت بی‌طرفی و انزواگرایی حرکت کرده، این سیاست‌ها توسط قدرت‌های بزرگ محترم شمرده نشده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۳). جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تمایل بسیاری به استفاده از استراتژی‌های رقابتی تهاجمی داشته است که نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی افزایش یابد. در واقع نیروهای انقلابی در ایران همانند انقلاب‌های تأثیرگذار پیشین در طول تاریخ به طور طبیعی استراتژی صدور انقلاب را در پیش گرفتند تا با ایجاد فضای انقلابی در منطقه بتوانند فرصت‌های نقش‌آفرینی را به وجود آورند. آنها تلاش کردند تا فرصت‌های نقش‌آفرینی خود در سطح سیاست منطقه را افزایش دهند و در عین حال با بسیج نیروهای داخلی در این راستا بر توانایی‌های داخلی خود بیفزایند. در این جا باید نکته بسیار مهمی مدنظر قرار گیرد، مبنی بر اینکه استراتژی‌های سوات بر مبنای بازیگر عقلانی استوار هستند که در پی بیشینه کردن فایده و کمینه کردن هزینه است. در جهان سیاست در کنار بازیگران عقلانی صرف، بازیگران ایدئولوژیک نیز حضور دارند که محاسبات هزینه - فایده آن‌ها با محاسبات هزینه فایده متعارف در سطح نظام بین‌الملل متفاوت است. آنچه که از منظر دولت انقلابی ایران بیشینه کردن فرصت‌ها به نظر می‌رسد، ممکن است در نظر دولت دیگری صرفاً به صورت ایجاد تهدید جلوه‌گر شود. برای درک بهتر موضوع می‌توان این وضعیت را با رقابت میان شرکت‌های تجاری مقایسه کرد. شرکت‌های تجاری در فضای رقابتی موجود با استفاده از مدل سوات به استراتژی‌های خاصی جهت اجرا دست می‌یابند و

همگی بر قوانین بازی اجماع دارند، اما در سیاست بین‌الملل ممکن است وضعیتی پدید آید که بازیگر دولتی علاقه‌ای به حفظ قواعد موجود در سیستم نداشته باشد و درصدد ایجاد سیستمی با قواعد خاص خود باشد. دولت‌های انقلابی در طول تاریخ مانند دولت انقلابی فرانسه یا دولت انقلابی شوروی پس از انقلاب اکتبر همگی در ابتدا تلاش داشتند تا جای ممکن به تغییر قواعد بازی دست بزنند و صرفاً پس از گذشت زمان، خود را با قواعد موجود وفق دادند. در وهله بعدی باید در نظر داشت که در بررسی استراتژی‌های سیاست خارجی در مدل سوات چون استراتژی‌های سیاست خارجی نگاهی معطوف بر محیط بیرون دارند و کم‌تر به محیط داخلی معطوف هستند و عمده بار این استراتژی‌ها متوجه مبحث فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی بوده و ممکن است اثرگذاری آن‌ها بر نقاط ضعف و یا نقاط قوت درونی کم‌تر به چشم بیاید، مگر اینکه به‌طور مشخص در طراحی این استراتژی‌ها به محیط داخلی نیز توجه ویژه‌ای شده باشد. به عنوان مثال، گاهی اوقات تصمیم به شروع جنگ در نظام بین‌الملل با عنایت به وضعیت داخلی کشور شروع‌کننده جنگ توجیه می‌شود. طبق نظریه انحرافی جنگ، دولتی که دچار ضعف و تهدیدات درونی است، برای بسیج ملی و مقابله با این تهدیدات داخلی بر وجود دشمن خارجی تأکید می‌کند و با شروع جنگ علیه دشمن خارجی از تهدیدات داخلی علیه خود می‌کاهد. با عنایت به مباحث فوق باید اشاره کرد که استراتژی صدور انقلاب با تأکید بر افزایش فرصت‌های بیرونی و نقش‌آفرینی گسترده انقلاب در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در پیش گرفته شده و نگاه تأکیدی بر مسائل داخلی نداشت. این استراتژی درصدد بود تا صحنه و محیط بازی را از اول بچیند و صحنه بازی موجود را تغییر دهد. این موضوع با واکنش شدید بازیگران عرب منطقه مواجه شد و از شورای همکاری خلیج فارس به عنوان نهادی نام برده می‌شود که عربستان سعودی به منظور مقابله با استراتژی صدور انقلاب پایه‌گذاری کرد. در ارزیابی نتایج اتخاذ این استراتژی باید اشاره کرد که واکنش منفی بازیگران عرب و تنش حاصل از اتخاذ این استراتژی بر فرصت‌های محیطی نیافزود (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

۸-۲. استراتژی حمایت از محور مقاومت

جمهوری اسلامی ایران در راستای منزلت رهبری جهان اسلام و تحقق اصول سیاست خارجی مندرج در قانون اساسی، حمایت از آرمان‌های فلسطین را در دستور کار خود قرار داده است. این استراتژی را بیشتر می‌توان در زمره استراتژی‌های انطباقی قرار داد که بازیگر دولتی در پی استفاده و در واقع بیشینه کردن استفاده از فرصت‌های بیرونی است. سنت بسیار ریشه‌داری در جهان اسلام از

سال ۱۹۴۸م. به بعد وجود دارد که داعیه‌داران رهبری جهان اسلام بر آرمان فلسطین به عنوان مهم‌ترین اولویت خود تاکید داشته‌اند. جمال عبدالناصر در مصر در گذشته و اردوغان در ترکیه امروز نمونه‌های مشخصی از تلاش رهبران برای حمایت از آرمان فلسطین و نقش‌آفرینی بیشتر در جهان اسلام هستند. حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و محور مقاومت تا پیش از بهار عربی مهم‌ترین عامل محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در خیابان‌های عربی بوده است، اما پس از وقایع بهار عربی این مسئله تا حدی تحت‌الشعاع دیدگاه‌های پان عربی تقویت شده در میان اعراب قرار گرفته است (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

۸-۳. استراتژی پیشینه‌سازی نفوذ

به دنبال وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱م. در جهان عرب و کنار رفتن برخی دیکتاتورها در جهان عرب، شرایط منطقه‌ای مناسبی برای نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای ایجاد شد و جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و ترکیه هر کدام به مقتضای خود سعی در ایفای نقش در فضایی جدید کردند. جمهوری اسلامی ایران با مستثنی کردن موقعیت سوریه، از تحولات در جهان عرب استقبال کرد و از آن تحت عنوان بیداری اسلامی یاد نمود که حتی فضا را برای تحقق آرمان‌های جمهوری اسلامی در جهان اسلام بیش از پیش مهیاء کرده است. ترکیه تلاش کرد تا از ارتباط خود با اخوان المسلمین جهت نفوذ در کشورهایی مانند مصر و لیبی استفاده کند و عربستان سعودی در نقطه مقابل با دیدگاهی محافظه‌کارانه به حمایت از مخالفان بهار عربی پرداخت و بر حفظ وضع موجود در جهان عرب تاکید کرد.

بی‌تردید سابقه استراتژی پیشینه‌سازی نفوذ به سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳م. توسط ایالات متحده باز می‌گردد. با روی کار آمدن نخستین دولت شیعی در جهان عرب، سیاست پیوند دادن شیعیان از عمق ایران تا مدیترانه در دستور کار قرار گرفت و بهار عربی به گسترده شدن فضا برای تحقق استراتژی پیشینه‌سازی نفوذ کمک کرد. استراتژی پیشینه‌سازی نفوذ هم در زمره استراتژی‌های رقابتی - تهاجمی و هم در زمره استراتژی‌های انطباقی قرار می‌گیرد که طی آن بازیگر دولتی در پی پیشینه کردن استفاده از فرصت‌های بیرونی بوده است.

۸-۴. استراتژی مهار

اتخاذ استراتژی مهار در قبال عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه محصول تحولات پس از بهار عربی است. کشورهای عربی نظیر بحرین، یمن و سوریه به مکانی برای رویارویی غیر مستقیم

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بدل شدند که هر یک در راستای منافع خود به یارگیری در آن‌ها پرداختند. استراتژی مهار عربستان به حمایت این کشور از گروه‌های سلفی در منطقه نیز مربوط می‌شود. استراتژی مهار عربستان سعودی را می‌توان در زمره استراتژی‌های تدافعی قرار داد که بازیگر دولتی در پی کمینه کردن تهدیدات بیرونی است.

۹. تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی عربستان سعودی بر مبنای سوات

پیش از تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شایسته است به نقاط قوت و ضعف کلی سیاست خارجی عربستان سعودی اشاره کوتاهی داشته باشیم. عربستان سعودی نیز همانند ایران در زمینه دارا بودن منابع غنی انرژی از اهمیت ژئواکونومیک بالایی برخوردار است، اما شاید مهم‌ترین نقاط قوت سیاست خارجی عربستان سعودی را بتوان در مدیریت روابط این کشور با قدرت‌های بزرگ مشاهده کرد. به عبارت دیگر، عربستان سعودی موفق شده است که همزمان روابط خوبی با ایالات متحده، روسیه و چین داشته باشد و ضمن سرمایه‌گذاری عظیم در این کشورها، سرمایه‌های این کشورها را نیز به درون خود جذب نماید.

در مقام مقایسه با جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی وزن کم‌تری برای ایدئولوژی در سیاست خارجی قائل است. عربستان سعودی واقع‌گرایی بیشتری در روابط خارجی خود دنبال می‌کند و نابرابری قدرت در عرصه نظام بین‌الملل را پذیرفته است. اقتصاد و سیاست خارجی در عربستان سعودی برخلاف ایران، ارتباط تنگاتنگی دارند. مهم‌ترین نقطه ضعف عربستان سعودی در سیاست خارجی، احساس ناامنی فزاینده آن است که از نقص ساختار دولت-ملت در این کشور ناشی می‌شود. عربستان سعودی ساختار سیاسی غیر دموکراتیکی دارد و به لحاظ ساختارهای سیاسی داخلی، شکنندگی بالایی از خود نشان می‌دهد. این شکنندگی داخلی به صورت تکیه به نیروهای خارجی در نظام بین‌الملل جلوه‌گر شده است.

خریدهای تسلیحاتی فزاینده این کشور به منظور رفع همین حس ناامنی انجام می‌شود. این مسأله سبب شده است تا حس استقلال‌طلبی به شدتی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عیان است، در سیاست خارجی عربستان سعودی قابل مشاهده نباشد. بنابراین، تکیه بالا به نیروهای خارجی و احساس ناامنی فزاینده مهم‌ترین نقاط ضعف سیاست خارجی عربستان سعودی است.

۹-۱. استراتژی اتحاد و ائتلاف

عربستان سعودی با استفاده از دیپلماسی فعال خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و در جهت افزایش امنیت خود توانسته است به خوبی از استراتژی ائتلاف و اتحاد بهره گیرد. بکارگیری این استراتژی در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس به خوبی متبلور است. همچنین استراتژی اتحاد و ائتلاف عربستان سعودی در قالب استراتژی تکیه بر غرب نیز خود را نشان داده و عربستان سعودی تلاش کرده است تا پیوندهای نزدیک خود را با ایالات متحده همچنان حفظ کند. این استراتژی در زمره استراتژی‌های رقابتی - تهاجمی قرار می‌گیرد که بازیگر دولتی در پی بیشینه کردن فرصت‌های محیطی است.

۹-۲. استراتژی بیشینه‌سازی نفوذ

عربستان سعودی نیز همانند جمهوری اسلامی ایران از فرصت پدید آمده پس از بهار عربی برای بیشینه‌سازی نفوذ خود در منطقه خاورمیانه استفاده کرد. این استراتژی در تکمیل سیاست‌های پیشین عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های سلفی در منطقه و جهان قرار گرفت. مانند مورد ایران، استراتژی بیشینه‌سازی نفوذ از جانب عربستان سعودی نیز هم در زمره استراتژی‌های انطباقی و هم در زمره استراتژی‌های رقابتی - تهاجمی قرار می‌گیرد که بازیگر دولتی در پی بیشینه کردن استفاده از فرصت‌های محیطی است.

۹-۳. استراتژی مهار

شاید بتوان گفت مهم‌ترین استراتژی سیاست خارجی در منظر عربستان سعودی، استراتژی مهار جمهوری اسلامی ایران است. بررسی سخنان مقامات عربستان سعودی در چند سال اخیر نشان می‌دهد که عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران را تهدید شماره یک خود تلقی کرده و از هر ابزاری برای مقابله با نفوذ ایران استفاده می‌کند. عربستان سعودی در یمن و بحرین به مداخله مستقیم نظامی پرداخت تا از نفوذ و حضور جمهوری اسلامی ایران در این کشورها بکاهد و در سوریه نیز تأمین مالی گسترده گروه‌های نظامی که علیه بشار اسد و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه می‌جنگیدند، در دستور کار عربستان سعودی قرار گرفت.

عربستان سعودی در شرایطی که ایالات متحده از کاهش حضور خود در خاورمیانه و خلیج فارس و متمرکز شدن بر شرق آسیا سخن می‌گفت، با دیپلماسی فعال و هزینه‌های گسترده در قالب قراردادهای نظامی، تلاش کرد تا همچنان تضمینات امنیتی لازم را از ایالات متحده دریافت کند.

آخرین سیاستی که عربستان سعودی و کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس جهت مهار جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته‌اند، نزدیکی به اسرائیل است. باز کردن پای اسرائیل به تحولات منطقه خلیج فارس از نظر این کشورها سبب اعمال فشار بیشتری به جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. استراتژی مهار اتخاذ شده توسط عربستان سعودی در زمره استراتژی‌های تدافعی قرار می‌گیرد که خنثی‌سازی و کمینه کردن تهدیدات بیرونی را به دنبال دارد.

۱۰. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استراتژی‌های بکار گرفته شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نتوانسته است به گونه‌ای بهینه فرصت‌های محیطی را پیشینه کرده و از تهدیدات محیطی بکاهد. استراتژی‌های صدور انقلاب، حمایت از محور مقاومت، پیشینه‌سازی نفوذ و مهار، بیشتر از هر چیز بر کاهش تهدیدات محیطی متمرکز بوده و فرصت‌های حاصل نیز از منظر سلبی مقابله با تهدید تفسیر شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های متعددی با تنش‌های گسترده در قبال جهان عرب و جهان غرب مواجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران در قبال هر دو جهان عرب و جهان غرب در مقاطعی از استراتژی تنش‌زدایی استفاده کرده و تلاش کرده است تا روابط خود را با کشورهای عربی و کشورهای اروپایی بهبود بخشد. با این حال، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران وزن بیشتری برای تنش‌زدایی در قبال اروپا قائل بوده و سعی کرده است از این طریق با فشارهایی که از جانب ایالات متحده وارد می‌شود، مقابله کند. استراتژی تنش‌زدایی با کشورهای عربی هرچند همچنان در سطح اعلانی دنبال می‌شود و مقامات جمهوری اسلامی ایران بر امکان همکاری با عربستان سعودی برای رفع مشکلات تاکید می‌کنند، اما شرایط حاکم بر روی زمین و سیاست‌های اعمالی، مانع از تنش‌زدایی شده است.

پژوهش حاضر بر این باور است که ترکیبی از تعامل سازنده و مهار می‌تواند استراتژی بهینه جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی در مقطع کنونی باشد. استراتژی تعامل سازنده در زمره استراتژی‌های انطباقی قرار می‌گیرد که بازیگر دولتی در وضعیتی که نمی‌تواند سیاست دوستی و اتحاد را در قبال بازیگر دولتی اتخاذ کند و در عین حال از دشمنی نیز دوری می‌جوید، به نوعی تعامل روی می‌آورد که هدف از آن ایجاد جو اعتماد و تنش‌زدایی است. بنابراین، استراتژی ترکیبی تعامل سازنده و مهار ترکیبی از یک استراتژی انطباقی و یک استراتژی تدافعی است. این استراتژی

می‌تواند از تهدیدات محیطی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بکاهد و بر فرصت‌های محیطی بیفزاید. با اتخاذ این استراتژی ترکیبی در قبال عربستان سعودی می‌توان انتظار داشت که استراتژی بیشینه‌سازی نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نیز نتایج بهتری را از منظر ایجاد فرصت‌های محیطی به ارمغان آورد و کم‌تر از زاویه مقابله با تهدید به آن نگریده شود. جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به طور همزمان مسیر دوگانه تعامل سازنده و مهار را دنبال کند. اتخاذ چنین سیاست‌های ترکیبی از سابقه زیادی در سیاست بین‌الملل برخوردار است. شاید یکی از تجربه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال چنین سیاست‌های ترکیبی به مسئله هسته‌ای مربوط باشد. طرف‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی ایران این مسیر دوگانه را دست‌کم از دو دهه پیش تاکنون دنبال کرده‌اند که خود را در ترکیب مذاکرات و اعمال تحریم در طی زمان نشان داده است.

تعقیب سیاست دو مسیری تعامل سازنده و مهار در قبال عربستان سعودی، نیازمند طراحی بسیار دقیق مسیرهای تعامل و مسیرهای مهار است. در چنین وضعیتی باید بر پتانسیل‌های همکاری نظیر همکاری در مقابله با اسلام‌هراسی و همکاری برای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس و همکاری در زمینه حفظ محیط زیست تأکید بیشتری صورت گیرد و از سوی دیگر پذیرش مقطعی برخی خواسته‌های طرف مقابل به منزله شکست تلقی نگردد. سیاست‌های کلاسیکی نظیر پذیرش حوزه نفوذ در روابط بین‌الملل وجود دارد که امکان تعامل میان بازیگران منطقه‌ای در طول تاریخ را فراهم کرده است. اتخاذ چنین سیاست‌هایی با پذیرش فرایندهای امتیازگیری و امتیازدهی می‌تواند فضا را برای بکارگیری مسیر دوگانه تعامل سازنده و مهار مهیا کند.

۱۱. تعارض منافع

موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- افتخاری، رضا؛ مهدوی، حسین (۱۳۸۵). راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل سوات: دهستان لواسان کوچک. *مدرس علوم انسانی*، ۱۰(۳).
- این است انتقام سخت (۱۳۹۸). قابل دسترس در: <https://www.irna.ir>
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۳). *روحیه ایرانی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۲). تعاملات سیاسی ایران- عربستان پس از یازده سپتامبر. *راهبرد*، شماره ۲۷، ص ۱۹۵-۲۲۹.
- بهرامی، رحمت‌الله (۱۳۸۹). *بررسی قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه گردشگری روستایی در استان کردستان*. در: مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام.
- تاجیک، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۲). الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران. *راهبرد*، شماره ۲۷.
- حاجی کریمی، عباسعلی (۱۳۸۲). تعیین راهبردهای مطلوب خدمات پس از فروش خودرو در بازار ایران با استفاده از مدل سوات و تدوین اولویت‌ها بر اساس تحلیل سلسله مراتبی ای اچ پی. *پیام مدیریت*، شماره ۷-۸، ص ۱۷۵-۱۹۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات سمت.
- خضری، احسان (۱۳۹۴). ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان: مطالعه موردی عراق، بحرین و یمن. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۳، ص ۱۷۹-۲۰۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۸). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- سردار، دیوید (۱۳۷۹). *مدیریت استراتژیک*. ترجمه علی پارسیان، سید محمد اعرابی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰). مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران. *روابط خارجی*، ۳(۱)، ص ۴۹-۷۴.
- کلانتری، عیسی (۱۳۹۸). *اختلافات باعث شده است که محط زیست خلیج فارس قربانی شود*. قابل دسترس در: <http://www.pana.ir/news/>
- مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی (۱۳۹۴). *نگاهی به ارتباطات تجاری ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس*. معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۶). حمایت و توسعه محیط زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان. *حقوقی*، شماره ۱۱، ص ۵-۳۲.

- فهم دانش، علی (۱۳۸۵). حقوق محیط زیست خلیج فارس و کنوانسیون کویت. دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۲۰۱، ص ۸۷-۱۰۴.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۰). ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌المللی محیط زیست. راهبرد، ۲۰(۵۸)، ص ۴۷-۶۴.
- هریسون، جعفری؛ کارون، جان، (۱۳۸۲). **مدیریت استراتژیک**. ترجمه بهروز قاسمی. تهران: انتشارات هیات. یزدانی عنایت‌الله؛ خجسته، جمیل (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی «صنوبر انقلاب» در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ص ۵۹-۸۶.
- Fisher, C. (1989). Current and recurrent challenges in HRM. *Journal of Management*, Vol.15, No.2, P.157-180.
- Garner, R. (2005). SWOT Tactics: Basics for strategic planning. *FBI Law Enforcement Bulletin*, Vol.74, No.11, P.17-9.
- Islamophobia (2020). **13th OIC observatory report on Islamophobia**. Organization of Islamic Cooperation. Available at: https://www.oic-ci.org/page/?p_id=182
- Ramazani, R.K. (1998). The Emerging Arab-Iranian Rapprochement: Towards an Integrated US Policy in the Middle East? *Middle East Policy*, Vol.6, No.1, P.45-62.
- Ritchie, J. & Lewis, J. (2003). **Qualitative Research Practice**. London: Sage Publications.
- Strauss, A.L. & Corbin, J. (1998). **Basics for Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques**. 2nd edition. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Wezeman, D.P. & et al. (2019). **Trends in International Arms Transfers, 2018**. SIPRI Fact Sheet. Available at: http://sipri.org/sites/default/files/2019-03/fs_1903_at_2018.pdf